

نیازی نیست تعداد بسیار نسخه برداران و تذهیب کاران شیراز و انبوه نسخه های خطی ساخته شده در مرکز فارس را خاطر نشان سازیم. در سده ۵۸۸/۱۴۰۴م، آل اینجو و سپس آل مظفر، یکی پس از دیگری شاهان و امیرزادگان استان فارس شدند. آنان در پایتخت خود، [نشر کتاب] را مورد حمایت و تشویق بسیار قرار دادند. در سایه ادب پروری این امیران و وجود سنت بسیار رایجی که هنرمندان و هنروران را به تربیت شاگردان تشویق می نمود، سبک های نوینی پدیدار گشت؛ تعداد نسخه برداران ملقب به «شیرازی» که در سده های پیشین بسیار بود در سده ۵۸۸/۱۴۰۴م بسیار کاستی گرفت؛ واقعه هجوم و سلطه تیمور، اثری از این سنت بر جای نگذارد. اما گذشته از این، هنر پروری اسکندر، پسر عمر شیخ و نوه تیمور، امیرزاده فارس در سال های ۸۱۳ تا ۸۱۷هـ/۱۴۱۰ تا ۱۴۱۴م، در زمینه کتاب [پرداز] شهرت بسیار دارد.

اندکی پس از سقوط اسکندر، عموزاده اش معیث الدین ابوالفتح ابراهیم، برادر بایسنقر به فرمان پدرش، شاهرخ، امیر فارس شد. او که در ۷۹۶هـ/۱۳۹۴م. به دنیا آمده بود هنگام مرگ تیمور، یازده سال بیشتر نداشت. او در سال ۸۱۰هـ/۱۴۰۷م. عهده دار امور حکومتی شد. دو سال بعد، حاکم بلخ شد و در سال ۸۱۷هـ/۱۴۱۴م. به حکومت فارس رسید و بر خلاف عموزاده مخلوعش، به پدر وفادار ماند. اما امارتش با تلخکامی آغاز شد. در سال ۸۱۸هـ/۱۴۱۵م، میرزا بایقرا شهر را تصرف کرد و ابراهیم به ناچار تارسیدن سپاهیان شاهرخ در ابرقو پناه گرفت. آنگاه به یاری ایشان

نصیرالدین سلطانی، نصیرالدین مُذَهَب و کتابخانه ابراهیم سلطان در شیراز

فرانسیس ریشارد*

مترجم: سید محمد حسین مرعشی**

چکیده: ابراهیم سلطان، امیرزاده تیموری فارس، خوشنویس و ادب پرور بود و در دوران حکومتش (۸۳۹ - ۸۱۷ هـ / ۱۴۱۴ - ۱۴۳۵ م.) نسخه های خطی بسیاری به فرمان او نگاشته شد. فهرست کتاب های نسخه برداری شده برای او در شیراز هنوز کامل نیست، اما نام بسیاری افراد که از خوش نویسان امیرزاده اند در نسخه ها موجود است.

در این مقاله از دو نسخه به تاریخ ۸۲۰ و ۸۳۴ هـ / ۱۴۱۷ و ۱۴۳۰ م. یاد شده است که رقم نصر السلطانی تذهیب کار (مُذَهَب) را بر خود دارند و به نظر مؤلف مقاله، همان نصیرالدین محمد مُذَهَب است که ابراهیم سلطان در سال ۸۳۶ هـ / ۱۴۳۲ م. او را به کلانتری کتب خانه خود گمارد. سند این انتصاب محفوظ مانده است (و در مقاله آمده است).

کلید واژه: شیراز؛ ابراهیم سلطان؛ تذهیب؛ کتب خانه (نگارستان - کتابخانه)؛ نصیرالدین محمد مُذَهَب؛ نصر السلطانی. تذهیب کار؛ مُذَهَب.

✓ مشخصات مقاله چنین است:

Francis Richard, "Naṣr al-Ṣolṭāni, Naṣir al-Din Mozahheb et la Bibliothèque d'Ebrāhīm Solṭān à Širāz" *Studia Iranica*, 30, (2001), p. 87-104.

* پاریس، کتابخانه ملی فرانسه، مسئول بخش نسخه های خطی فارسی.

** اکرین، کی یف، دانشگاه KPE.

۱. برخی منابع درباره حکومت او: آل داود، قاضی احمد منشی قمی، ص ۲۴۰، ۲۳۶-۲۳۹، ج ۲، ص ۵۱۲، ۵۱۵؛

Thackston, 1989, p. 33-34 et 141-3; Souèk, 1997, p. 765-78.



شهر را بازپس گرفت. حکومت او، به عنوان امیرزاده، سراسر لشکرکشی است. سرانجام در سال ۸۳۸ هـ. ۱۴۳۵م. در اثر بیماری زودهنگام درگذشت و ولایت را برای پسرش، عبدالله، که در آن هنگام هنوز طفلی خردسال بود باقی گذارد.

ابراهیم سلطان، همچون برادرش بایسنقر، به خوش‌نویسی علاقه بسیار داشت و خود نیز خوش‌نویسی پرآوازه و از پیروان مکتب مشهور یاقوت مستعصمی بود. قرآن‌های خوش‌نویسی شده بسیاری که اغلب تاریخ آنها بین سال‌های ۸۲۵ - ۸۱۶ هـ. ۱۴۲۷ - ۱۴۱۳ م. است، از او یا منسوب بدوست. از این میان می‌توان به قرآن موزه پارس شیراز اشاره کرد. یکی از قرآن‌های خوش‌نویسی شده او به سال ۸۲۷ هـ. ۱۴۲۴ م.، به مناسبت زیارت مشهد نگاشته شده است. او خط خوش را به قلم‌های گوناگون می‌نوشت، اما بیشتر در ثلث مهارت داشت و این شیوه را در فارس، از پیرمحمد شیرازی آموخته بود. گذشته از کتابت نسخه‌های قرآنی، طرح و رسم بسیاری از کتیبه‌بناهای شیراز و اصفهان به دست او انجام شده است. همچنین بنای مدرسه دارالصفاء، باغ و چند عمارت دیگر در شیراز از کارهای اوست. ظاهراً او علاقه داشت دانشمندان و ادیبان را اطراف خود گردآورد. ادیبی به نام شجاع در سال ۸۳۰ هـ. ۱۴۲۷ م.، کتاب خود، انیس الناس را که برای خزانه (کتابخانه) سلطان در نظر گرفته بود و نیز، شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه خود را به او تقدیم کرده‌اند. شرف‌الدین علی (د. ۸۵۸ هـ. ۱۴۵۴ م.) در دبیرخانه ابراهیم [سلطان] خدمت می‌کرد و به کتابت اسناد دیوانی اشتغال داشت. تاریخ‌نویس معروف، مولانا نورالدین لطف‌الله هروی که بیشتر به حافظ ابرو شهرت دارد مدتی به شیراز آمد و در خدمت او بماند. کمال‌الدین بن غیاث شیرازی، ناظم دیوان، همچنین حاجی منصور که شعری درباره پیامبر به نام نبی‌نامه^۲ به او منسوب است در دربار شیراز می‌زیستند. ابراهیم همانند امیران مشهوری چون سلطان احمد جلایر، شاعر نیز بود؛ شرف‌الدین علی، مقدمه‌ای بر مجموعه اشعار (دیوان) وی سروده است.

نسخه‌های ساخته شده کُتُب خانۀ ابراهیم سلطان
 نسخه I-4628 موزه هنر اسلامی برلین که و. اندرلین^۳ (V. Enderlein) آن را مورد بررسی قرار داده، چُنْگی است که برای کتابخانه امیر بایسنقر، ولیعهد هرات نگاشته شده، اما در شیراز و در نگارخانه برادرش، ابراهیم ساخته شده و احتمالاً به عنوان هدیه به هرات فرستاده شده است. این کتاب در سال ۸۲۳ هـ. ۱۴۲۰ م. به قلم محمود الحسینی خوش‌نویس نسخه برداری شده است و دارای نقوش مُدْهَب و نقاشی‌هایی بسیار متفاوت با نقاشی‌هایی است که در کتب خانۀ بایسنقر در هرات تولید می‌شد و با سبک دیگر کتاب‌های ساخته شده در این دوره در شیراز تفاوت بسیار دارد، اما شباهت‌های آن با نقوش مظفری غیر قابل انکار است. متأسفانه نه نام (های) پدیدآورنده (گان) ۲۹ نقاشی این نسخه شناسایی شده است و نه نام (های) سازنده (گان) نقوش مُدْهَب آن.

اما، محمود الحسینی، بسیار نام‌آشناست. [نام] او محمود بن مرتضی بن احمد الحافظ الحسینی است. در مورد او همچنین می‌دانیم که در سال ۸۱۷ هـ. ۱۴۱۴ م.، پیش از شکست اسکندر سلطان در دربار وی بوده است.^۴ در واقع، این محمود حسینی همان کاتبی است که اسماعیل حسینی در ایجاد مجموعه‌ای غنی از آثار شعر فارسی با وی همکاری داشته است. این مجموعه هم‌اکنون، در موزه هنرهای ترک و اسلامی استانبول به شماره 2044 نگهداری می‌شود^۵ و پیش از این در مجموعه ایاصوفیه قرار داشت که از جانب سلطان محمد اولک به صورت وقف بدانجا سپرده شده بود. آن‌طور که نوشته موجود در صفحه مزدوج مُدْهَب برگ ۱ پ - ۲، نسخه 2044 نشان می‌دهد، این کتاب برای کتابخانه (خزانه) اسکندر سلطان، کتابت شده و اگر براساس نوع تزئین آن داوری کنیم احتمالاً در شیراز به انجام رسیده است. قطع این کتاب، کوچک (۱۹×۱۳ سانتیمتر) و دارای ۷۵۸ صفحه است. [در این کتاب] خمسة نظامی، آثار امیر خسرو و خواجوی کرمانی (نک: برگ ۱۴۰ پ) با نستعلیق قدیمی، به خط محمد حسینی در ۸۱۵ و ۸۱۶ هـ. ۱۴۱۲ - ۱۴۱۴ م. نگاشته شده است. در این اثر می‌توان انجامه‌هایی را با تاریخ‌های محرم ۸۱۴ - ۸۱۶ هـ. ۱۴۱۲ - ۱۴۱۴ م.

۲. برای نمونه نگاه کنید: Karatay, 1961, n° 653 p. 224 et 755 p. 266.

3. Enderlein, 1991.

4. Richard, 1996, p. 50.

۵. این نسخه، تنها به صورت بسیار خلاصه در فهرست نسخه‌های خطی اسکندر سلطان، ص ۳۷۰، آمده است. این سیاهه را Lowry, Lentz در سال ۱۹۸۹ م. منتشر کرده‌اند.

(Nurhan Atasoy) این کتاب را مورد پژوهش قرار داده است و تاریخ تقریبی آن را ۸۲۹ هـ/۱۴۲۵ م. می‌داند؛^۷ - شاهنامه، از مجموعه ۱۷۶ کتابخانه بادلیان (bodlien) اکسفورد، با تاریخ تقریبی ۸۳۹ هـ/۱۴۳۵ م. و ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی از ۸۳۹ هـ/۱۴۳۶ م. که اکنون به چندین بخش تقسیم شده است. این دو نسخه دارای نقاشی‌هایی است.

به نظر ما، مجموعه‌ای کوچک مرکب از سه دیوان فارسی (خسرو و حسن دهلوی؛ ناصر بخاری) به دلیل شباهت بسیار نقش‌های مذهب آن با نقش نسخه‌های تزیین شده نگارخانه امیرزاده فارس و به ویژه با جنگ بایستقر، با نگارخانه ابراهیم ارتباط دارد. این نسخه که به قلم نورالحسینی تحریر شده، دارای تاریخ ۸۲۰ هـ/۱۴۱۷ م. است. اما هیچ نشانه روشنی دال بر تعلق آن به کتابخانه سلطان وجود ندارد.

به سیاهه لنتز و لوری، بدون شک کلیات سعدی را نیز باید افزود که با شماره 318 به کتابخانه دانشگاه پنجاب تعلق دارد.^۸ نسخه‌ای با ۴۴۰ برگ که در صفحه مزدوج مذهب آن (برگ ۱ پ ۲) تقدیمیه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد برای کتابخانه (خزانه) سلطان مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم کتابت شده است. متن از برگ ۲ پ ۳ - داخل یک [قاب] منقش مذهب آغاز می‌شود. هر یک از صفحات بعد دارای لچکی‌های تزیینی است. تاریخ آن ۸۲۹ هـ/۱۴۲۶ م. و برای مظفر بن عبدالله، به درخواست «استادش، خواجه غیاث‌الدین محمد فرج‌الله» و به خواست شاه کتابت شده است.

قرآنی از مجموعه خلیلی^۹ نیز که از کارگاه ابراهیم است، ظاهراً باید به این سیاهه افزوده شود. این قرآن به خط نسخ تحریر شده و در ۸۳۳ هـ/۱۴۲۰ م. و به احتمال قوی در شیراز، به قلم «محمد الملقب به قطب المغیثی السلطانی» خاتمه یافته است. این خوش‌نویس، با نام محمد الملقب به قطب - کاتب جنگ شماره ۵۹۲۲ کتابخانه ملک تهران^{۱۰} نیز هست. این جنگ نیز مسلماً از شمار نسخه‌های تحریر شده در کارگاه ابراهیم سلطان، در شیراز

(برگ ۹۵)، ۱۳ صفر ۸۱۶ هـ. (برگ ۲۵۰ پ)، ربیع‌الاول ۸۱۵ هـ. (برگ ۲۷۷ پ)، ذی‌الحجه ۸۱۵ هـ. (برگ ۳۳۶)، ذی‌الحجه ۸۱۵ هـ. (برگ ۴۶۰) و ۱۵ محرم ۸۱۶ هـ. (برگ ۵۲۸ پ) مشاهده کرد. برعکس، آثار عطار که برگ‌های ۵۲۹ تا ۷۵۸ را در بر می‌گیرد و نیز متن کامل شاهنامه فردوسی - که نکته قابل توجهی است - در حاشیه برگ‌های ۳ پ تا ۷۵۸ آمده است به خط اسماعیل الحسینی است (نک: انجامة برگ ۷۱۸ پ)، همراه با تاریخ اتمام کار (همان‌اثر) که سوم محرم سال نامشخصی (احتمالاً ۸۱۶ هـ.) است. این نسخه فاقد نقاشی است، اما از جنبه تزیین (سرلوح‌های برگ ۲۷ پ، ۹۷ پ و سرلوح‌های دیگر؛ شمس‌های برگ‌های ۱۴۱، ۱۸۸ پ و موارد دیگر؛ لچکی‌های نقش‌دار همراه با گل در هر صفحه؛ سرسخن‌ها به نسخ و مذهب، داخل قاب‌های مورب بسیار ظریف) قابل توجه است.

در فهرست نمایشگاه تیمور و جلوه شاهانه^{۱۱} (Timur and the Princely Vision)، تی. لنتس (T. Lentz) و جی. لوری (G. Lowry)، در کنار فهرست قرآن‌های منسوب به ابراهیم سلطان - که دست کم چهار مورد از آنها می‌تواند معتبر باشد - سیاهه‌یی از کتیبه‌بناهایی تهیه کرده‌اند که ممکن است از سازندگان آنها باشد و نیز تهیه‌کننده دفتر ثبت نسخه‌هایی که در کتابخانه آن بناها گرد آمده است. در این سیاهه آمده است:

- مثنوی جلال‌الدین رومی [به شماره] 168 L. A. از مجموعه گولبنکیان (Gulbenkian) لیسبون، که در سال ۸۲۲ هـ/۱۴۱۹ م. در شیراز استنساخ شده است؛^{۱۲}

- جامع الصحیح، تاریخ کتابت در سال ۸۳۲ هـ/۱۴۲۹ م. در کتابخانه سلیمانیه استانبول، به شماره فیض‌الله 429 - دیوان یا مجموعه اشعار امیر خسرو، در موزه هنرهای ترک و اسلامی استانبول به شماره 1982، با نقش مذهب و تاریخ کتابت ۸۳۴ هـ/۲ - ۱۴۳۱ م.؛

- جنگ به شماره فاتح ۳۶۸۲ از کتابخانه سلیمانیه استانبول، شامل کیله و دمنه، مرزبان‌نامه و سندبادنامه، بی تاریخ، ۵۷۹ صفحه، دارای ۷۲ نقاشی. نورهان آتاسوی

۶. نک: یادداشت ۴. این سیاهه در برگ ۳۶۹ و ۳۷۰ آمده است.

7. Sims, 2001, p. 97 et ill. 96.

۸. درباره این نسخه، نیز نک: Grube, 1991, n° 25 p. 89 ET 168 et fig. 1000 p. 94.

9. Richard, 1997, n° 39 p. 75 et pl. p. 58, اندازه نسخه ۱۹x۱۲۵ سانتیمتر است.

۱۰. عبدالله، ص ۲۱۳-۲۱۸.

11. James, 1992, n° 4, p. 26-27 et 245.

۱۲. همچنین نک: افشار و دانش‌پژوه، ش ۱۵۱۷، ص ۱۱۰-۱۰۹؛ Robinson, 1980, p. 91-92 et 98-99.



پس از ۸۱۷ هـ. / ۱۴۱۴ م. است. این نسخه، جنگی با قطع کوچک، بی تاریخ، اما دارای نقاشی است. به نظر می‌رسد خوش‌نویس آن، همان جلال‌الدین محمد از شاگردان جعفر بایسنقری باشد.

بدون شک پیراستن روشمند و منظم فهرست‌ها سبب هرچه غنی‌تر شدن دانسته‌های ما نسبت به موجودی کتابخانه ابراهیم می‌شود. نسخه‌ای از کتابخانه مجلس تهران^{۱۳} دارای دو بخش اسکندرنامه نظامی است که خوش‌نویسی به نام میرعلی آن را برای کتابخانه (خزانة الکتب) سلطان ابراهیم (بر اساس کتیبه خوش‌نویسی شده در صفحه مذهب نخست) استنساخ کرده است. این نسخه که از تزیینی پرکار به ویژه در صفحات نخستین برخوردار است دارای سه نقاشی است و در واقع - کمی پس از مرگ سلطان - در ۸۳۹ هـ. / ۱۴۳۵-۱۴۳۶ م. پایان پذیرفته است. ای. سیمس (E. Sims) نسخه باشکوه و مجللی را که ده سال پس از اتمام کار ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی انجام گرفته، شناسایی و به دقت بررسی کرده است.^{۱۴} این نسخه به فرمان ابراهیم سلطان نسخه برداری شده، اما کار خوش‌نویسی آن در ۸۳۹ هـ. / ۱۴۳۶ م. تقریباً بیش از یک سال پس از مرگ امیر، پایان یافته است. کتابت این نسخه به قلم یکی از خوش‌نویسان نگارخانه او به رقم یعقوب بن حسن، ملقب به سراج الحسینی السلطانی، صورت گرفته است. این اثر که در ابتدا ۳۵۵ برگ داشته از هم جدا و به دو قسمت تقسیم می‌شود، اما ۳۷ مجلس از نقاشی‌های آن باقی مانده است. این نسخه در ۸۸۵ هـ. / ۱۴۸۰ م. به هرات می‌رسد و بخشی از نقوش مذهب آن تکمیل می‌شود و مقدمه‌ای ۷۲ برگی به آن افزوده می‌شود. هر چند که ممکن است نقش‌های برگ ۱۲۷ پ فعلی، تنها نقشی باشد که به طور یقین مربوط به دوره کتابت متن در شیراز می‌شود، اما متأسفانه این تزیین فاقد رقم است.

برعکس، خوش‌نویس ظفرنامه دیگر (متعلق به ۸۳۹ هـ.) قابل شناسایی است. او کاتب نسخه مذهب دیگری (در ۸۴۰ هـ. / ۱۴۳۶ م.) نیز از همین ظفرنامه است: نسخه شماره ۳۶۸۲ کتابخانه مجلس تهران^{۱۵} که در انجامه آن امضاء کرده است: «یعقوب بن حسن الملقب به سراج الحسینی^{۱۶} القتانی». اما موضوع بسیار جالب آن‌که، او مؤلف رساله‌ای درباره خوشنویسی است و تنها یک نسخه از آن تا زمان ما باقی مانده است: رساله تحفة المحیّین. نگارش این رساله که سهم عمده‌ای در سنت خوش‌نویسان فارس دارد در ۸۵۸ هـ. / ۱۴۵۴ م. آغاز شده است.^{۱۷} مؤلف در مقدمه، نام خود را ابوالداعی یعقوب بن حسن بن شیخ الملقب به سراج الحسینی شیرازی ذکر می‌کند و اظهار می‌دارد که شاگرد استاد بزرگ خوش‌نویس، صدرالدین روزبهان، خطاط شیرازی است. او از سلطان ابراهیم و استعدادش در خوش‌نویسی و نیز نقش او در بنیان‌گذاری مدرسه دارالصفای شیراز یاد می‌کند.^{۱۸} یعقوب هنگام نگارش این رساله، زیارت مکه و مدینه را انجام داده، و در حال سفر به بیدر از خطه محمدآباد هند بوده است. او اثرش را به حبیب‌الدین محب‌الله بن برهان‌الدین، امیرزاده خلیل‌الله بن نورالدین شاه نعمت‌الله کرمانی، نوه عارف مشهور قادری و داماد نوه دختری یکی از سلاطین بهمنی تقدیم کرده است. رساله او سند مهمی درباره اندیشه علمی و عمل خلاق و پرثمر خوش‌نویسان فارس از دوران آل مظفر تا حدود ۸۳۹ هـ. / ۱۴۳۵ م. است.

جنگی از موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول (۸۲۰ هـ. / ۱۴۱۷ م.)

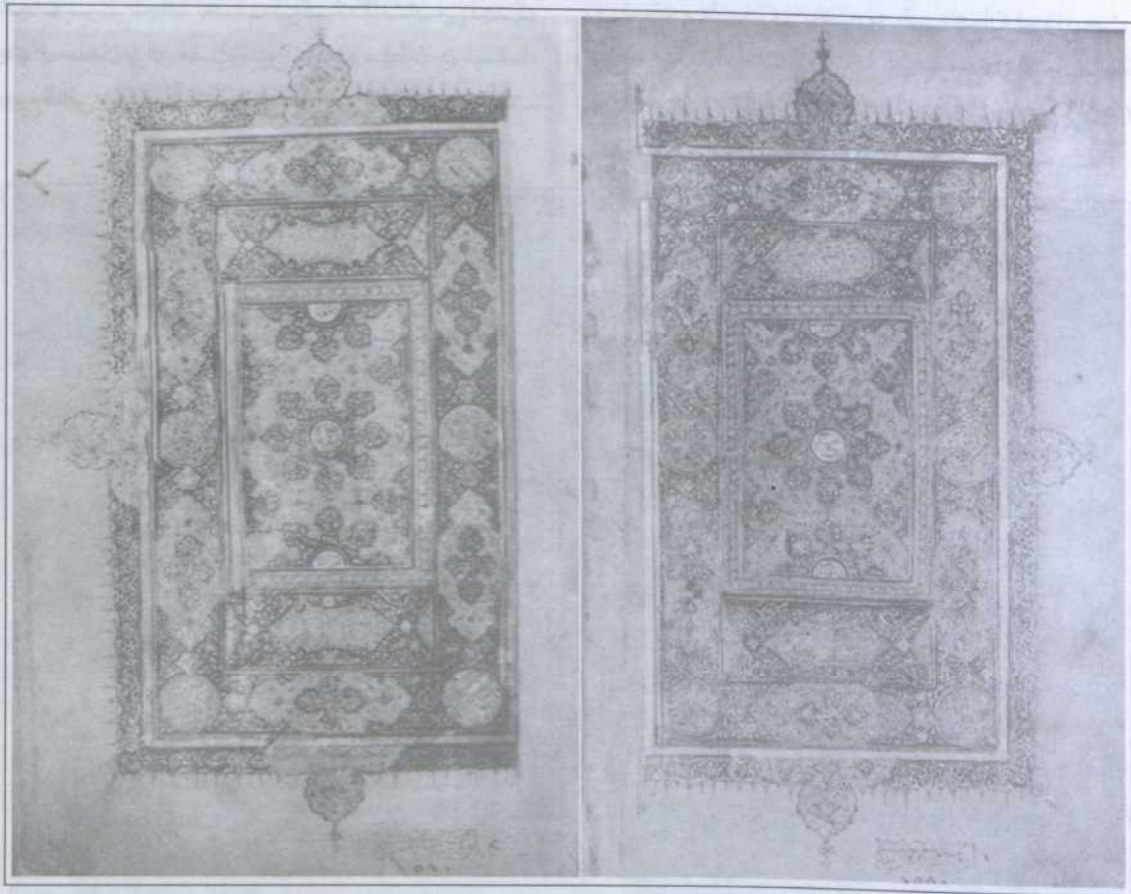
در نسخه ۱۹۹۷ از موزه هنرهای ترک و اسلامی استانبول که ما قصد پرداختن بدان را داریم، تزیینی وجود دارد که به نقوش نسخه‌های نگارخانه ابراهیم شباهت بسیار دارد.

۱۳. نسخه ۲۰۰ برگی، ۱۸×۱۲ سانتی‌متر، به خط نستعلیق بسیار قدیمی. به شماره ثبت ۶۱۸۶۶، و به شماره ۲۳۶۰، که در فهرست کتابخانه مجلس (ج ۸) تألیف راستکار، ص ۷۳-۷۴ و تصویر ص ۵۳۳ معرفی شده است.
 ۱۴. به ویژه نک: Sims, 1992a, p. 132-143 (که در آنجا مؤلف در یادداشت ۴۰ به افزوده شدن برخی نسخه‌ها به سیاهه نسخه‌های ابراهیم سلطان، گردآوری Lentz و Lowry اشاره می‌کند)؛ Sims, 1992b, p. 175-218. همچنین نک: Lentz et lowry, 1989, n° 29 et 30 p. 334-5.
 ۱۵. بیانی، ش ۱۵۱۴ ص. و همان اثر، ش ۷۵۱ ص ۴-۲۲۵.
 ۱۶. «حسنی» صورتی که بیانی آورده است به نظر ما اشتباه نوشتاری است.
 ۱۷. منظور نسخه Suppl. Persan 386 کتابخانه ملی فرانسه است، که ۱۹۰ برگ دارد. این نسخه هندی ممکن است متعلق به پایان سده ۹ هـ. / ۱۵ م. یا آغاز سده ۱۰ هـ. / ۱۶ م. باشد. این نسخه به طور خلاصه در فهرست دانش پژوه، ص ۳۴، معرفی شده است؛ عمده مطلب را منزوی بیان کرده است، ش ۱۸۱۰۱، ص ۱۹۰۷. نک: همچنین Rizvi, 1983 vol. II, p. 547. متن نسخه Supplement Persan 386، اخیراً به دقت تصحیح شده است. این تصحیح به وسیله ایرج افشار و کرامت رعنا حسینی به اشراف محمدتقی دانش پژوه به انجام رسیده است، اما متأسفانه مصححان، به مؤلف رساله نپرداخته‌اند.
 ۱۸. برگ ۷۵ پ - ۷۶ نسخه پاریس.

برگ ۵۱۱ پ تا ۵۹۴، دیوان خواجه عصمت؛ از برگ ۵۹۴ پ تا ۶۵۲ پ، دیوان نصیری است. آنچه به صورت مورب در حاشیه‌ها آمده عبارت است از: از برگ ۲ پ تا ۱۴۰، دیوان امیر خسرو؛ از برگ ۱۴۰ پ تا ۲۸۷، دیوان حسن؛ از برگ ۲۸۷ پ تا ۳۸۳، دیوان ناصر؛ از برگ ۳۸۳ پ تا ۵۰۶، دیوان حافظ^۲؛ از برگ ۵۰۶ پ تا ۵۱۱، برخی از اشعار سعدی؛ از برگ ۵۱۱ پ تا ۵۵۵، دیوان همام تبریزی؛ از برگ ۵۵۵ پ تا ۵۹۴، دیوان جهان الملک؛ از برگ ۵۹۴ پ تا ۶۳۱، کلیات جمال‌الدین ابواسحاق ملقب حلاج؛ از برگ ۶۳۱ پ تا ۶۴۲، اشعاری تقدیم شده به شمس‌الدین صاحب دیوان و از برگ ۶۴۲ پ تا ۶۵۲ پ، ده فصل از کتاب اعبید زاکانی. تزئین این نسخه در برگ‌های ۱ پ - ۲، صفحه مزدوج تذهیب داری است (تصویر شماره ۱) با ساختاری بسیار زیبا

به جز نمونه‌هایی که تا بدین جا، به صورت بسیار مختصر شرح داده شد،^{۱۹} نسخه‌ای است که تزئین آغازین آن ظرافت و کیفیتی استثنایی دارد. با قطع کوچک (۱۹/۵ × ۱۳ س م)، دارای ۶۵۲ برگ با جزوهایی - مانند نسخه T. I. E. M. 2044 - پنج برگگی. این نسخه با توجه به مهر برگ ۴۷۴، از جانب محمدمراد دامادزاده، در سال ۱۱۹۳ هـ. وقف شده است، حال آن که اثر مهر گردی قدیم تر از آن (متعلق به سده ۹ هـ / ۱۵ م؟) در برگ‌های ۱۹۸، ۳۰۶ و ۵۱۱ تراشیده شده است.

نسخه 1979 تقریباً منحصر به دیوان‌های شعر است: در بخش میانی، برگ‌های ۲ پ تا ۱۹۸، فصل نخست، دیوان سلمان ساوجی؛ از برگ ۱۹۸ پ تا برگ ۳۰۶، غزلیات همین شاعر؛ از برگ ۳۰۶ پ تا ۵۰۱ پ، دیوان کمال خجندی؛ از

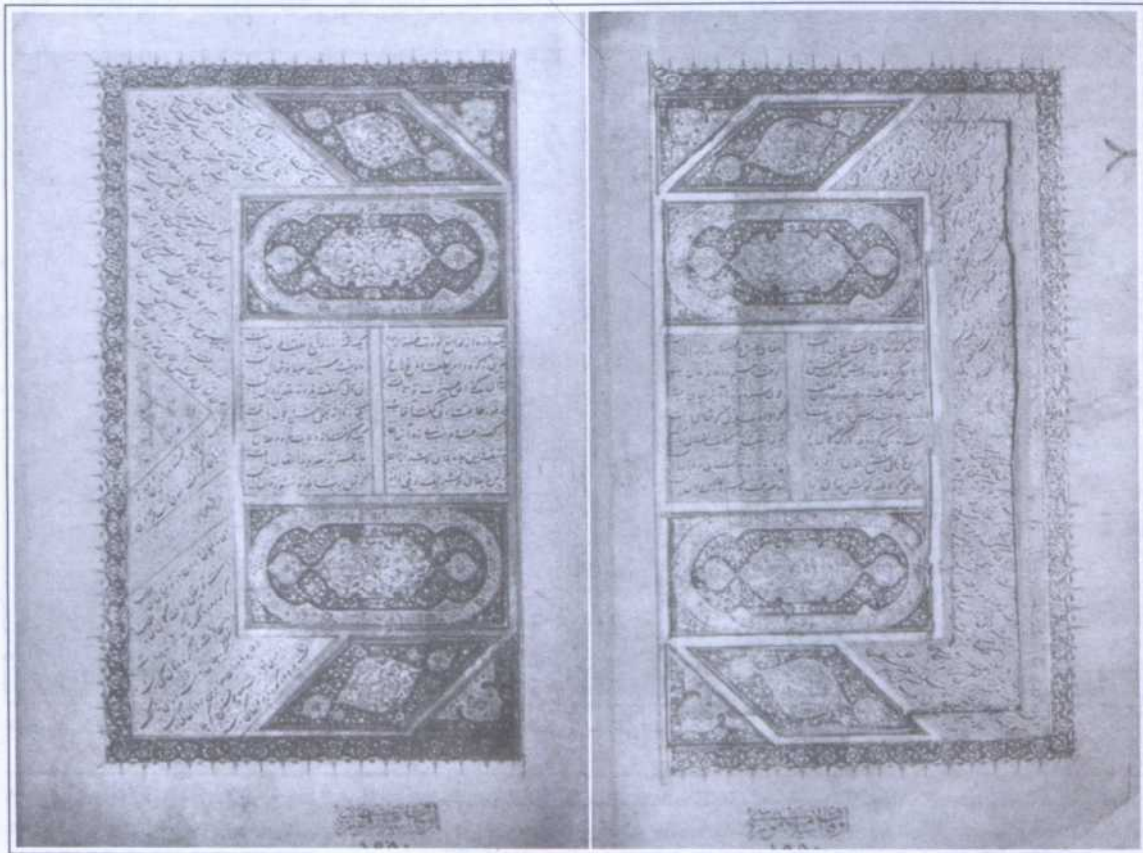


تصویر ۱: برگ ۱ پ (سمت راست) برگ ۲ (سمت چپ)، (موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول [T. I. E. M] n° 1979).

۱۹. این نسخه در سیاهه Lowry و Lentz، ۱۹۸۹ موجود نیست و نیز در فهرست Sims، 1992a و همانجا، 1992b. ۲۰. غزلیات به ترتیب الفبایی قافیه‌ها مرتب شده است. به دلیل تاریخ نسخه برداری، بسیار جالب خواهد بود که محتوای این مجلد را با محتوای نسخه n° 1923 T.I.E.M. (که از مجموعه قدیمی ایاصوفیه، در دوره بایزید دوم، در سرای بوده است) نسخه‌ای از دیوان حافظ به خط جعفر بایسنقری خوش نویس در هرات مورد مقایسه قرار دهیم (این مجلد به طرزی یا شکوه تذهیب شده، بی تاریخ است، اما احتمالاً پس از T.I.E.M. n° 1979 تحریر شده است). اما جالب تر آن خواهد بود که با نسخه روان اکوشکو [۹۴۷] مجموعه توقیاتی سرای استانبول - که قطعاً قدیمی تر از آن است - مقایسه شود. همین جعفر با نام جعفر الحافظ در ۸۲۲ هـ / ۱۴۱۹ م. امضا کرده است، زیرا هنوز به دربار هرات راه نیافته بود تا به «بایسنقری» شناخته شود. نک: نیساری، ص ۶۷ و ۷۱-۷۳.

انجامه دوم، در حاشیه برگ ۳۸۳، تنها به ذکر تاریخ اتمام کار اشاره می‌کند که ابتدای جمادی الثانی ۸۲۰ هـ/ ۱۶۱۰ ژوئیه ۱۴۱۷ م. است. در آخرین انجامه در برگ ۶۵۲ پ، آمده است که نسخه در سال ۸۲۰ هـ. برای مغیث‌الدین ابوالفتح ابراهیم سلطان به انجام رسید. تنها در انجامه برگ ۳۰۶ انجامه نخست] به نام خوش نویسی که تحریر (حرره) تمام متن را به انجام رسانده اشاره شده است: «فیروز بخت السلطانی». از دیگر سو، می‌توان در قاب‌های طوماری واقع در قسمت پایین‌ترین برگ ۱ پ و ۲، امضای تذهیب‌کار را مشاهده کرد. در واقع، می‌توان نوشته دَهَبَه (در برگ ۱ پ) نصر السلطانی (در برگ ۲) را خواند (تصویر شماره ۱) که ما را از نام تذهیب‌کار (برگ ۱ پ تا برگ ۳) آگاه می‌سازد، نه از نام نقش‌آفرین همه تزئین، یعنی نصر السلطانی. نسخه بردار، فیروز بخت، به یقین، همان فیروز بخت بن اصفهان شاه است که نسخه کلیات سعدی (شماره ۲۸۷ از مجموعه India office Library لندن^{۲۲}) را در محرم ۸۱۹ هـ/

شامل تقدیمه‌ای به ابراهیم سلطان. در برگ‌های ۲ پ - ۳، آغاز اشعار همراه است با هشت چهارگوش و لوزی منقش (سرلوح) (تصویر ۲) که آنها نیز بسیار ظریف کار شده‌اند. همچنین چهارگوش‌ها و لوزی‌های مُدَهَب نشانگر آغاز قطعه‌ها هستند - در بخش میانی صفحه یا در حاشیه - در برگ ۱۴۰ پ، ۱۹۸ پ، ۲۸۷ پ، ۳۰۶ پ، ۳۸۳ پ، ۵۱۱ پ، ۵۵۵ پ و ۵۹۴ پ. به علاوه در هر صفحه، در حاشیه، لچکی‌های زینتی با نقش‌های گل و گیاه دیده می‌شوند. عناوین قطعات، به صورت خوش نویسی شده، داخل چهارگوش‌هایی با نقش‌هایی به صورت لکه‌های ابر، بر روی زمینه‌ای با خطوط موازی به رنگ‌های متناوباً زرد، سیاه، سبز یا قرمز برجسته و مشخص شده‌اند.^{۲۱} این نسخه که به خط نستعلیق کتابت شده دارای سه انجامه است. انجامه نخست (برگ ۳۰۶) نشان می‌دهد که دیوان سلمان برای مغیث‌الدین ابراهیم سلطان، در نیمه‌ماه ربیع الثانی ۸۲۰ هـ/ آغاز ژوئن ۱۴۱۷ م. به انجام رسیده است.



تصویر ۲: برگ ۲ پ (سمت راست) برگ ۳ (سمت چپ)، (موزه هنرهای ترکی و اسلامی استانبول [T. I. E. M] n°1979).

۲۱. نوع تزئین بسیار متداول در نسخه‌های شیراز تا حدود ۸۹۰ هـ/ ۱۴۸۵ م.

کتابدار ابراهیم سلطان و تذهیب‌کار

مهدی بیانی در مجموعه منشآت کتابخانه شخصی خود متوجه متنی در خصوص نصیرالدین محمد مذهب می‌شود^{۲۵} که در آن، قوام‌الدین محمد یزدی، برادر شرف‌الدین علی یزدی تاریخ‌نگار، برای ابراهیم سلطان نگاشته است. قوام‌الدین یزدی^{۲۶}، همانند برادرش، منشی خوش قریحه‌ای بود. بنا به رسم، بسیاری از اسنادی که به قلم اوست در مجموعه‌ی جمع‌آوری شده است. اما با توجه به تاریخ درگذشت قوام‌الدین ۸۳۴ هـ/ ۱۴۳۰ م، این متن باید اثر شرف‌الدین باشد. به هر حال، موضوع حکم یا «جازه‌نامه» (منشور) از طرف ابراهیم برای نصیرالدین بوده که او را - از میان سایرین - به جهت برتری (فضیلت) در امر خوش‌نویسی مورد تمجید قرار داده است. مهدی بیانی با انتشار گزیده کوتاهی از این سند، می‌توانست نام او را در فهرست - به دقت فراهم آمده - خوش‌نویسان سبک نستعلیق قرار دهد. اما با این همه، او به نسخه‌ای خوش‌نویسی شده با رقم نصیرالدین مذهب یا منسوب بدو دسترسی نداشته است.

خوشبختانه کرامت رعنا حسینی متن این منشور را به یاری چند نسخه از تصنیفات ادبی قوام‌الدین محمد، موضوع یک [پژوهش] دقیق انتقادی قرار داده است.^{۲۷} اما متأسفانه ارتباط آن را با زمینه تاریخی نگارخانه بررسی نکرده است. این متن سه سال پیش از مرگ ابراهیم سلطان، به تاریخ ۸۳۵ هـ/ ۱۴۳۲ م، به سبکی پُر طراوت و مفخم نگاشته شده است. حتی مضمون متن - که تقریباً به دقت ترجمه^{۲۸} کرده ایم - جای آن دارد که مورد امعان نظر قرار گیرد:

مارس ۱۴۱۶ م. به انجام رسانده است. این نسخه ۴۹۹ برگ دارد، به خط نستعلیق و مذهب است و به نظر نمی‌رسد نشانی از گیرنده [سفارش دهنده] در آن وجود داشته باشد. رقم نصیرالسلطانی «زراندوکار» یا تذهیب‌کار (مذهب) در حداقل یک نسخه خطی دیگر دیده می‌شود. در واقع، می‌توان امضای او را در برگ ۱۷ پ، شاهنامه Add. 176 کتابخانه بادلیان اکسفورد که از آن یاد شد، مشاهده کرد. تقدیمیه به ابراهیم سلطان که کار اوست در برگ ۱۲ این نسخه آمده است. به دلیل دبیاجه منسوب به «بایسنقر»، در ابتدای این حماسه مشهور دیده می‌شود، این نسخه - که دارای نقاشی‌هایی است - باید به تاریخی پس از ۸۳۴ هـ/ ۱۴۳۰ م، احتمالاً حدود ۸۳۹ هـ/ ۱۴۳۵ م.^{۲۹} تعلق داشته است باشد. ب. روبینسون (B. Robinson) به درستی بر اهمیت وجود چنین امضایی تأکید ورزیده است.^{۳۰} چه این امضا رقم تذهیب‌کار باشد، چه ترجیحاً رقم نقاش، به صورتی نمادین چیزی را مصورسازی کرده است که تاریخ‌شناسان هنر اغلب درباره آن چنین نوشته‌اند: تذهیب نقوش در کارهای او [ابراهیم سلطان] به سطحی از تعالی رسیده است که در مقایسه با آن، نقاشی‌ها کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند... با این وجود باید یادآور شد که در نسخه‌های بسیار قدیمی مانند قران بوست (Bost) به تاریخ ۵۰۵-۵۰۶ هـ/ ۱۱۱۷-۱۱۱۲ م. یا حتی در قران عثمان وراقی به تاریخ ۴۶۲-۴۶۷ هـ/ ۱۰۶۹-۱۰۷۴، رقم تذهیب‌کار وجود دارد. نسخه T. I. E. M. 1979، بار دیگر اهمیت نقش «مذهب» را در تحقق نسخه‌های خطی و به ویژه در کارهای ابراهیم سلطان نشان می‌دهد.

23. Robinson, 1958, p. 16-22; همچنین نگاه کنید: Lentz et Lowry, 1989, n° 58 p. 341 et 370.

24. Robinson, 1982, p. 28-29.

۲۵. بیانی، ج ۳، ش ۱۴۵۲، ص ۹۴۲.

26. Richard, 1996, p. 51-53.

۲۷. رعنا حسینی، ص ۶۹-۷۲.

۲۸. در اینجا متن اصلی منشور را که شادروان کرامت رعنا حسینی نسخه اصل پژوهش خود قرار داده است می‌آوریم، «نامه بهارستان».



مفتشوری از امیرزاده ابراهیم سلطان جهت خواجه نصیر مذهب علیهما الرحمه

هو

از نظر عقول اصحاب خیرت و ذکا، و ارباب فطنت و دها، پوشیده نباشد که: از جلال مواهب و عوارف الهی، و جزایل آلا و نعماء نامتناهی، که بشارت یافتگان

بُشری لنا معشر الاسلام ان لنا
من العناية رکناً غیر منهدم
لما دعی الله داعینا لطاعته
باکرم الرُّسل کُنّا اکرم الامم^{۲۸}

به حصول آن، گرامی و سرفراز گشته‌اند و به آن خلعت خاص از سایر امم سابق به مزید قربت و اختصاص امتیاز یافته، پایه قدرشان به آن عطیه کبری بس رفیع و معلست، و منشور افتخارشان از آن موهبت عظمی به طفرای «کنتم خیر امه اخرجت للناس»^{۲۹} موشح و محلی انزال کتاب آسمانی است که نص مبین «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین»^{۳۰} برهان علوشان اوست، و منطوق «انه لقرآن کریم، فی کتاب مکتون، لایمسه الا المطهرون، تنزیل من رب العالمین»^{۳۱} زینت دیباچه دیوان منقبت بی پایان او.

آیات حق من الرحمن محدثه
قدیمة صفة الموصوف بالقدم
دامت لدنیا ففاقت کل معجزة
من النبیین اذ جانت ولم تدم^{۳۲}

واهل دانش و بینش به یقین دانند که تحقق و استقرار آن معجزه پایدار، با تمادی روزگار، جز به صورت کتابی که به انامل علم و ارادت و اقتدار اولی الایدی و الابصار بر الواح ظهور و ارتسام می‌پذیرد، و کمال شعور و اشعار بر آن مترتب می‌گردد، متصور نیست. بنابراین اشرف و اکمل صناعات آلی و کمالات علمی که خواص نوع انسان اتصاف می‌یابند به آن، فضیلت کتابت تواند بود، که کتابه کاخ قدرش مضمون لطایف مشحون «ن والقلم و ما یسطرون»^{۳۳} است. و چون صدق اخلاص و حسن اعتقاد مقتضی کمال اهتمام و اعتناست نسبت با این تحفه ربانی و هدیه آسمانی، عادت امت عالی منزلت جریان یافته که آن را بعد از ضبط و ثبت در طی صور خطی از برای تعظیم و تکریم به نقوش دلفریب از زر و لاژورد و غیر آن بیاریند و از برای مزید ثبات و دوام و صیانت از سرعت تشّت و انصرام، اوراق و اجزای آن را استوار بر یکدیگر دوخته، لباسی محکم از مقوی و پوست ترتیب نمایند. و لهذا شغل تذهیب و نقاشی و عمل جلد ساختن و کاغذ پرداختن از دیگر صنایع و حرف به زیادتی عزّت و شرف مخصوص آمد. و چون خواجه نصیرالدین محمد مذهب^{۳۴}، از فضیلت حسن خط و لطف تحریر به حظّ کامل و نصیبی موفور بهره‌ور و محفوظ است، و در صنعت تذهیب و نقاشی سرآمد دوران و فایق بر سایر امثال و اقران؛ و مدتی مدید است تا به کلک توفیق نقوش اخلاص و خدمتکاری بر صفحات احوال خویش نگاشته، علی‌الدوام به سعی تمام و ظایف نیکو بندگی به تقدّم می‌رساند، و به صنوف خدمات پسندیده مواظبت می‌نمایند، و در این وقت به حکم «و من منع المستوجبین فقد ظلم» تقدیم و پیشوایی طوایف مذکور، به تخصیص مذهبیان و نقاشان و مزوقیان^{۳۵}، و تقویم کارهای کتب خانه عامره و غیر آن از کتابت و تذهیب و تصویر و تجلید و نقاشی عمارت و تعیین اجرت عمله و برآورد مصالح آن، و ما یعلق بذلک الامور به اورجوع فرمودیم، تا از سر خیرت و وقوف، به اقامت مراسم آن اشغال اشتغال نمایند. و چنانچه از تدین و کاردانی او سزد شرایط تیقط و تحفظ مرعی داشته، از مدهانه و میل و محابا احتراز و اجتناب واجب و لازم داند، و از کارکنان کتب خانه و تزویق عمارات بر خبر بوده، هر روزه کارهای ایشان بازیند و نگذارد که خبط و تقصیری واقع شود، و تعویق و تأخیری دست دهد.

جماعت نقاشان و جمهور مذهبیان و مزوقیان، خواجه نصیرالدین مشارالیه را مقدم و کلانتر خود دانسته، طریق متابعت و انقیاد مسلوک دارند. و کارکنان کتب خانه همایون و نقاشان عمارات خاصه و غیرهم تقویم او را معمول علیه شناسند، و از سخن و صواب دید او که هر آینه متضمن صلاح کار باشد تجاوز ننمایند و به هیچ وجه عدول نجویند.

مشارالیه باید که در این ابواب از سر امان نظر و ایقان هر چه تمامتر سخن گوید، و در رعایت ضبط و کفایت و محافظت و راستی و امانت جهد مستطیع مبذول داشته، نوعی سازد که طراح خیال، هیچ طاعن نیرنگ تقصیر و رقم تعبیری بر آن نتواند کشید. ما التوفیق الا بالله، علیه توکلنا و الیه ابنا و الیه المصیر، فنعلم المولی و نعم النصیر. از جوانب برحسب فرموده کاربرد شوند، و چون به توفیق رفیع موشح و محلی گردد اعتماد نمایند.

تحریر ابوالمرعالی اعلاه الله تعالی شأنه و خلد نفاذه، و لازال مطاعاً متبعاً فی الخامس و العشرین من ذی القعدة الحرام لسنة خمس و ثلاثین و ثمانمائة الهجرية، تم.

۲۸. در متن فرانسه، این دو بیت عربی نیامده است. (م) ۲۹. قرآن، آل عمران، ۱۱۰. ۳۰. قرآن، بقره، ۲.

۳۱. قرآن، الواقعة، ۷۷-۸۰. ۳۲. در متن فرانسه، این ابیات نیامده است. (م)

۳۳. قرآن، القلم، ۱. ۳۴. در برخی نسخه‌ها، تنها خواجه نصیرالدین مذهب.

۳۵. کلمه تزویق از مزوق مشتق شده است و به عقیده Dozy به معنای «نقاشی، قلم‌گیری» است (زوق یعنی «سیماب» و زواق «نقاشی» یا «رنگ‌ها»)، در حالی که نقش در عین حال هم «قلم‌زنی» و هم «نقاشی» است. نک: Dozy, 1881, vol. 1, p. 614.

هماهنگ شده است، هنری که او بیشتر در نسخه های قطع کوچک به کار برده است. بدین شکل، با وجود فراز و نشیب های تاریخ، تداوم انکارناپذیر هنر کتاب [پردازی] فارس، بین سده ۸هـ. ۱۴/م. و اوایل سده ۹هـ. ۱۵/م. قابل مشاهده است. هر چند سه هنرمند بزرگ کتب خانه ای که به دست اسکندر سلطان حدود ۸۱۵هـ. ۱۴۱۲/م. در اصفهان بنا شده بود: عبدالعلی نقاش، معروف بغدادی خوشنویس و خواجه محمد صحاف، پس از فاجعه ۸۱۷هـ. ۱۴۱۴/م. راه هرات را در پیش گرفتند، کارگاه شیراز بدون وقفه چندانی به حیات خویش ادامه داد. و ویژگی های خود را در قلمرو تزیین و خط همچنان حفظ کرد. در این نگارخانه به خوش نویسانی چون محمود حسینی بر می خوریم که پیش از آن در خدمت اسکندر [سلطان] بوده اند. ابراهیم سلطان با سفارش نسخه های بسیار به جهت گنجینه (خزانه) خود - یا برای اهدا - انگیزه تازه ای به این نگارخانه داد و با ارتقاء بخشیدن به خوشنویسی هایش با نقوش مُذَهَب، سعی در باز یافتن سریع درخشش کارگاه خود نمود.

در پایان، باید با اطمینان به تعیین نسخه هایی پرداخت که نصیرالدین محمد مُذَهَب کلاتر سرپرستی تولید آنها را به عهده داشته است. می توان گفت که او درآیده و تحقق شاهنامه مصور Add. 176 بادلیان، در اسکندرنامه [کتابخانه] مجلس تهران و نیز بدون شک در ظفر نامه ۸۴۰هـ. ۱۴۳۶/م. سهم به سزایی داشته است. همچنین می توان با قاطعیت اذعان داشت که به این سه کتاب، دو نسخه خمسه نظامی کتابخانه لندن (Of. 12856) و نسخه بی آغاز ۳۶۸ برگی کتابت شده در ۸۳۷-۸۳۹هـ. ۱۴۳۵-۱۴۳۶/م. را که در آن سنت سبک شناختی دوره حکومت ابراهیم همچنان با صلابت حضور دارد افزود. از این ها گذشته، تنها با تحقیق و پژوهش های اصولی و برنامه ریزی شده می توان به نقش نگارخانه پر اهمیتی مانند نگارخانه شیراز، در سده ۹هـ. ۱۵/م. پی برد، با آنکه - در کنار کتابخانه امیرزاده - نگارخانه های بسیار دیگری نیز وجود داشته است که کتاب هایی بسیاری را برای کتاب دوستان پراکنده در سرزمین های گوناگون با فرهنگ ایرانی نسخه برداری می کرده اند.

هر چند از فضایل خوش نویس با تحسین یاد شده است، اما ابراهیم سلطان در تاریخ ۸۳۶هـ. ۱۴۳۲/م. به کسی کلاتری کُتُب خانه و برخی امور مربوط به عمارت های دربار را سپرده است که مُذَهَب چیره دستی نیز هست. متأسفانه مشخص نیست که او جانشین چه کسی در این شغل پر اعتبار شده بود. لقب مُذَهَب (تذهیب کار) بر آنچه متن سند به وضوح توصیف می کند و آنچه تاریخ نویسان هنر در مورد اهمیت تذهیب نسخه های خطی انجام پذیرفته در دوران حکومت ابراهیم بیان کرده اند صحه می گذارد. آیا حاکم فارس دستور داده قرآن هایی را که خودش خوشنویسی کرده به شکل باشکوهی تذهیب کنند؟

اما نکته سوال برانگیز این که آیا نصیرالدین مُذَهَب و نصیرالسلطانی که تذهیب دو نسخه را برای کتابخانه ابراهیم امضا کرده و نام سلطانی آن نشان دهنده تعلق شخصی آن به نگارخانه سلطنتی فارس است، این دو نام - که احتمال بسیار می رود - از آن یک شخص نیست؟ نامی که در کتابت نسخه ۱۴۳۲ آمده، ممکن است اشتباه نگارشی باشد (نصیر به جای نصر؟) و یا «نصر» نامی باشد که این تذهیب کار برای امضای آثارش به کار می برده است. یافتن اسناد جدید، بدون شک با اطمینان بیشتر آن را مشخص خواهد کرد.

اکنون ذکر این نکته جالب به نظر می رسد که نصیرالدین مُذَهَب، عنوان کلاتر، «صاحب منصب» یا «رئیس» نگارخانه ابراهیم را دریافت کرده بود، عنوانی که یک سده بعد، در دربار شاه اسماعیل به کمال الدین بهزاد داده شد. به نظر می رسد این منصب برای هنرمندان کارآزموده در نظر گرفته می شده است. اگر نصیرالسلطانی و نصیرالدین مُذَهَب، در واقع یک نفر باشند نشان می دهد که این هنرمند تا تاریخ ۸۳۶هـ. ۱۴۳۲/م. دست کم پانزده سال در نگارخانه شیراز به کار هنری مشغول بوده است. این سند، همچنین بر اهمیت منصب کلاتری و مسئولیت سنگین خلق هنری در دربار یک امیر، صحه می گذارد.

موضوع مهم دیگر این که نصیرالسلطانی مُذَهَبی است که ادامه دهنده و رشد دهنده سنت تذهیب [در دوران] آل مظفر در فارس می باشد. در آثار او این سبک بسیار ویژه، با ظرافت بی حد نقشی در می آمیزد که با ذوقی خاص

- عبدالله، س. م.، فهرست توصیفی نسخه‌های فارسی، اردو و عربی کتابخانه دانشگاه پنجاب، ج ۱، جزوه ۲، لاهور، ۱۹۴۸.
- افشار، ایرج و دانش پژوه، محمدتقی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، ج ۹، تهران: انتشارات کتابخانه ملی ملک، ۱۳۷۱.
- آل داود، سید علی، «ابراهیم سلطان»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، تهران، ۱۳۷۴.
- بیانی، مهدی، احوال و آثار خوشنویسان، ج ۳، تهران: دانشگاه، ۱۳۴۸.
- دانش پژوه، محمدتقی، «سرگذشت نامه‌های خوش‌نویسان»، هنر و مردم، ش ۸۶ (۱۳۴۸)، ص ۳۱-۴۳.
- منزوی، احمد، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۳، تهران: سازمان همکاری عمران منطقه‌ای، ۱۳۵۰.
- نیساری، سلیم، مقدمه بر تدوین غزل‌های حافظ، تهران: علمی، ۱۳۶۷.
- قاضی احمد منشی قمی، گلستان هنر، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، چاپ دوم، تهران: منوچهری.
- رعنا حسینی، کرامت، «منشور کلاتری خواجه نصیر مذهب»، فرهنگ ایران زمین، ۲۷، (۱۳۶۶)، ص ۶۹-۷۲.
- راستکار، فخری، فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی، ج ۸، تهران: مجلس، ۱۳۴۷.
- Dozy, Reinhart, 1881, *Supplément aux dictionnaires arabes*, vol. I, Leyde, Brill.
- Enderlein, Volkmar, 1991, *Die Miniaturen der Berliner Baisanqur-Handschrift*, Berlin, Staatliche Museen.
- Ethé, Hermann, 1903, *Catalogue of Persian Manuscripts in the India Office Library*, vol. I, Oxford.
- Grube, Ernst J., 1991, *A Mirror for Princes from India (...)*, Bombay, Marg Publications.
- James, David, 1992, *After Timur: Qur'ans of the 15th and 16th centuries*, Londres, Azimuth (*The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art*, General Editor Julian Raby, III).
- Karatay, Fehmi Edhem, 1961, *Topkapi sarayi Müzesi Kütüphanesi Farsça Yazmalar Katalogu*, Istanbul, Topkapi Sarayı.
- Lentz, Thomas W., et Lowry, Glenn D., 1989, *Timur and the Princely Vision: Persian Art and Culture in the Fifteenth Century*, Washington-Los Angeles, Sackler Gallery- County Museum of Art.
- Richard, Francis, 1996, "Un témoignage inexploité concernant le mécénat d'Eskandar Solţān à Eşfahān", *Oriente Moderno*, XV (LXXVI), p. 45-72.
- _____, 1997, *Splendeurs persanes. Manuscrits du XI^e au XVII^e siècle*, Paris, Bibliothèque nationale de France.
- Rizvi, S. A., 1983, *A history of Sufism in India*, vol. II, New-Delhi.
- Robinson, Basil W., 1958, *A Descriptive Catalogue of the Persian Paintings in the Bodleian Library*, Oxford, Clarendon Press.
- _____, 1982, "A Survey of Persian Painting (1350-1896)", dans *Art et Société dans le Monde iranien* (sous la dir. de C. Adle), Paris, Éditions Recherches sur les civilisations, p. 13-89.
- _____, 1988, "Two Illustrated Manuscripts in the Malek Library, Tehran", dans *Content and Context of Visual Arts in the Islamic World* [études en l'honneur de Richard Ettinghausen, Priscilla Soucek éd.], University Park-London, College Art Association, p. 91-103.
- Sims, Eleanor, 1992a, "Ibrahim-Sultan's Illustrated Zafarnama of 1436 and Its Impact in the Muslim East", in Lisa Golombek et Maria Subtelny, eds., *Timurid Art and Culture in the Fifteenth Century* (supplement to *Muqarnas*, VI), Leiden, p. 132-143.
- _____, 1992b, "Ibrahim-Sultan's illustrated Zafar-nameh of 839h/1436", *Islamic Art*, IV (1990-91), New York, p. 175-218.
- _____, 2001, "The Art of Illumination in Islamic Manuscripts in the Gulbenkian Museum, Lisbon", *Hali* 114 (Jan.-Feb.), p. 96-99.
- Souček, Priscilla P., 1997, "Ebrāhim Solţān", *Encyclopædia iranica* (edited by E. Yarshater), vol. VIII-1, Costa Mesa, s.v.
- Thačkston, W. N., *A Century of princes, Sources on Timurid History of Art*, Cambridge (Massachusetts), 1989.
- Timur and the Princely Vision*, Voir Lentz (Thomas W.) et Lowry (Glenn D.).
- Titley, Norah M., 1977, *Miniatures from Persian Manuscripts. A catalogue (...)*, Londres, British Museum.
- _____, 1983, *Persian Miniature Painting and its Influence on the Art of Turkey and India: The British Library Collections*, Londres, the British Library.